



HomePage: https://jquran.um.ac.ir/	سال ۵۳ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۷ - پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۲۹ - ۹
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۲	تاریخ بازنگری: ۱۳۹۸/۰۸/۲۱
DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2021.61264.0	تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۷
	نوع مقاله: پژوهشی

معنانشاسی تاریخی و ساختاری اثم در قرآن کریم

فاطمه آگهی (نویسنده مسئول)

دانش آموخته مقطع دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

Email: fatima.agahi@yahoo.com

دکتر مهدی جلالی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

ماده «اثم» با ۴۸ بسامد در قرآن کریم، مفهومی کلیدی در حوزه معنایی گناه است که نسبت به دیگر مفاهیم این حوزه، در بافت‌ها و روابط معنایی متنوع‌تری به کار رفته است. لغویان و مفسران، با غفلت از تبار کلمه و ظرافت‌های معنایی اثم در آیات، این واژه را با دیگر واژگان حوزه معنایی گناه، یکسان انگاشته‌اند. با توجه به «تیرگی معنایی» اثم در قرآن کریم، مطالعه معنانشناختی درباره این مفهوم ضرورت دارد. این مقاله قصد دارد با بهره‌گیری از روش‌های معنانشناسی نظیر ریشه‌شناسی و بررسی روابط همنشینی و جانیشینی، تحلیلی معنانشناختی از «اثم» ارائه دهد. ریشه‌شناسی مؤید مؤلفه‌های «اتصال و همگرایی»، «درنگ و تأخیر»، «تعمد و قصدمندی» و «پلیدی و ناپاکی» در ماده اثم است که مؤلفه اخیر ناظر بر انگاره «قیح ذاتی» در قرآن و ارزش‌گذاری این مفهوم پیش از ورود شرع است.

بررسی روابط همنشینی و جانیشینی نشان داد، متمایز از دیگر مفاهیم حوزه گناه در قرآن، «اثم» غالباً ناظر بر افکار و اقوال با دو مؤلفه «کذب» و «بطلان» است که در حوزه «رابطه با خدا» در بافت محرمات و نواهی و نیز حوزه «روابط انسانی و اجتماعی» در بافت مشارکت بر دروغ و حرام کاربرد دارد.

کلیدواژه‌ها: اثم، گناه، روابط همنشینی و جانیشینی، ریشه‌شناسی، مؤلفه‌های معنایی.



HomePage: https://jquran.um.ac.ir/	Vol. 53, No. 1: Issue 106, Autumn & Winter 2021 - 2022, p.9-29
Online ISSN: 2538-4198	Print ISSN: 2008-9120
Receive Date: 07-05-2019	Revise Date: 12-11-2019
DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2021.61264.0	Accept Date: 23-11-2019
	Article type: Original

Historical and Constitutional Semantics of the Word "Ethm" in the Holy Quran

Fatemeh Agahi (Corresponding Author), Ph.D. graduate, Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Mahdi Jalaly, Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

The word "Ethm" (sin; in Arabic: اثم) with its 48 frequencies in the Holy Quran, is a key concept in the semantic field of the sin. In comparison with other concepts in this field, it has been used in more diverse contexts and semantic relationships. Neglecting the origin of this word and its semantic subtleties in the Quranic verses, lexicologists and commentators have considered it as same as other words in the semantic field of sin. Given the semantic opacity of the word Ethm in the Holy Quran, it is necessary to study this concept semantically. By using semantic methods such as etymology and syntagmatic and paradigmatic relations, this article aims at analyzing Ethm semantically. Etymology confirms the components of "convergence", "delay", "intentionality", and "filthiness" in the word Ethm; the latter component refers to the idea of "essential badness" and the valuation of this concept before the advent of Islam. Investigating the syntagmatic and paradigmatic relations shows that Ethm is different from other concepts in the field of sin in the Quran; this word consists of two components of "falsehood," and "invalidity" and often refers to thoughts and sayings. Also, this word has two usages; in the domain of "relationship with God" in the context of the prohibitions, and the field of "human and social relations" in the context of participation in lies and the Forbidden.

Keywords: Ethm, Syntagmatic and paradigmatic relations, Etymology, Semantic components.

مقدمه

از جمله حوزه‌های معنایی مرتبط با اخلاق در قرآن کریم، حوزه معنایی گناه است. از میان اسامی معرف گناه در قرآن، ماده «اثم» با کاربرد فراوان، گوناگونی مفاهیم هم‌نشین و تنوع مشتقات در کاربردهای قرآنی، عوامل امتیاز و محوریت در حوزه معنایی گناه را دارد.

«اثم» در قرآن معمولاً مترادف با کلماتی مانند «ذنب» و «خطیئه» تلقی شده است؛ برخی لغویان (ابن درید، ۱۰۳۶/۲) از اظهار نظر درباره معنای این واژه ابا داشته‌اند. نیز برخی معناشناسان (ایزوتسو، ۵۰۲) با اشاره به اختلاف نظرات در مورد «اثم»، معنا را مبهم و فرار دانسته و تعریف دقیق از این واژه را تقریباً غیرممکن شمرده‌اند. (نک: همان) تحلیلی معناشناسانه از «اثم» می‌تواند مفهوم و کاربردهای متنوع آن را به خوبی تبیین کند.

پژوهش حاضر با روش معناشناسی^۱ ساخت‌گرا^۲ قصد دارد، مفهوم «اثم» و مؤلفه‌های معنایی^۳ آن را در زبان قرآن کریم بررسی کند.

یک واژه در هم‌نشینی با واژه دیگر از رابطه معنایی بنیادینی برخوردار است و به حوزه معنایی^۴ آن واژه تعلق می‌گیرد. (گیرتس، ۱۴۳) پایه اصلی شکل‌گیری اندیشه ساخت‌گرایی، مفهوم‌گیری و ارزش پیدا کردن یک نشانه زبانی در سایه هم‌پیوندی با چارچوب روابط افقی و عمودی (همنشینی^۵ و جانشینی^۶) است. رابطه هم‌نشینی، میان الفاظی است که در زنجیره کلامی در کنار یک‌دیگر قرار گرفته‌اند؛ رابطه جانشینی نیز رابطه‌ای از نوع انتخاب و جایگزینی میان هر یک از الفاظ یک زنجیره کلامی است که می‌توانند جایگزین آن شوند. (بی‌رویش، ۳۱-۳۰) از این منظر، هیچ واژه‌ای را نمی‌توان مستقل از واژگان دیگری تعریف کرد که از جهت ساختار معنا با آن مرتبط‌اند و به تحدید معنای آن کمک می‌کنند. (جان لاینز، ۱۴۵) محورهای هم‌نشینی و جانشینی یک بافت ساختاری را می‌سازند که نشانه‌ها در آن بافت معنا می‌یابند. (نک: چندلر، ۲۵-۲۴؛ افراشی، ۲۳) هم‌نشینی به تغییر معنایی واژگان در جهت افزایش یا کاهش معنایی منجر خواهد شد. معناشناسی از زاویه دید ساخت‌گرایی، نوعی توپولوژی^۷، مکان‌یابی و

۱. دانش معناشناسی، مطالعه علمی معناست. منظور از مطالعه علمی، توصیف پدیده‌های زبانی معنا در چارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری است. (نک: صفوی، ۲۲)

2. structural semantics
3. semantic components
4. Semantic field
5. Syntagmatic
6. Paradigmatic
7. topology

موقعیت پژوهی است؛ معنا در موقعیت و جایگاهش نسبت به دیگر معانی هویت می‌یابد. همچنین این نوشتار با تحلیل ریشه شناختی، قدیمی‌ترین معنای ماده «اِثْم» به دست آورده و با بهره‌گیری از معناشناسی تاریخی^۱، امکان بروز تغییرات معنایی همچون توسعه و تضییق دامنه، ارتقاء یا تنزل معنایی و پذیرش معنای مجازی یا استعاری را ارزیابی کرده است. لذا این پژوهش بر آن است با بررسی مؤلفه‌های معنایی «اِثْم» در زبان‌های سامی و بررسی مفهوم «اِثْم» بر محور همنشینی و جانشینی، دریابد که این واژه با کدام یک از واژگان رابطه معنایی دارد و گونه‌های مختلف کاربرد «اِثْم» چه معانی را افاده می‌کنند؟

۱. مؤلفه‌های معنایی در ریشه اِثْم

۱.۱. مؤلفه‌های معنایی اِثْم نزد لغت شناسان

کتاب لغت معانی گوناگونی برای اِثْم بر شمرده‌اند از جمله: فجور (ازهری، ۱۱۷/۱۵)، ذنب (جوهری، ۱۸۵۷/۵؛ ابن منظور، ۵/۱۲؛ فیروزآبادی، ۷۳-۷۴/۴)، انجام کاری که حلال نیست (فیروزآبادی، ۴/۳)، خمر و قمار (ابن سیده، ۱۸۶/۱۰؛ فیروزآبادی، ۷۳-۷۴/۴؛ ابن منظور، ۵/۱۲)، گناه (جوهری، ۵/۱۸۵۸)، «تأخیر در خیرات و از ثواب» (ابن فارس، ۶۰/۱؛ راغب اصفهانی، ۶۳) و «تقصیر و کوتاهی» (عسکری، ۲۲۷). طبرسی در معنای «اِثْم»، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل نموده است: «الْبِرُّ مَا اطْمَأَنَّتَ إِلَيْهِ النَّفْسُ، وَالْإِثْمُ مَا حَالَ فِي صَدْرِكَ»؛ وی با اشاره به تقابل «اِثْم» با «بِرٌّ»، اِثْم را عملی شمرده که نفس از آن تنفر دارد و قلب با آن آرام نمی‌گیرد. (طبرسی، ۳۰۲/۱) اشاره به اضطراب و آرامش نداشتن قلب پس از انجام «اِثْم» است که می‌تواند ناظر بر قبیح ذاتی «اِثْم» باشد. بنابراین مؤلفه‌های معنایی «اِثْم» نزد لغت شناسان عبارت از «تعهد و قصدمندی»، «تأخیر و کندی»، «کوتاهی و تقصیر»، «حرمت»، «دروغ» و نیز «امر پلید و تنفرآور» است. ارزیابی این مؤلفه‌ها در گرو ریشه‌شناسی «اِثْم» و نیز تحلیل کاربردهای این ماده در آیات است.

۱.۲. مؤلفه‌های معنایی حاصل از ریشه شناسی «اِثْم»

در این بخش به پی‌جویی تبار «اِثْم» در زبان‌های سامی خواهیم پرداخت. بدین ترتیب امکان ارزیابی آراء لغوی درباره مؤلفه‌های معنایی اِثْم نیز فراهم خواهد آمد:

اتصال و همگرایی

«اِثْم» در زبان آفروآسیایی باستان (نیای زبان عربی)، از ماده ثنائی^۱ «Cam» به معنای «جمع کردن

وگرد هم آوردن^۲ (امور پراکنده)» و نیز «جمع شدن و به هم پیوستن»^۳ است که در انتقال به زبان‌های سامی، به «*tum*»^۴ تبدیل شده است. (orel, 111) با اضافه شدن «همزه قطع» در ابتدای ماده «*ثم*»، باب افعال ثنائی «*اِثْم*» در زبان سامی ساخته شده است.

در انتقال به سامی، «*اِثْم*» از معنای «جمع شدن و به هم پیوستن» به معنای «مرتکب گناه و اشتباه شدن» منتقل شده است. (zammit, 69) «گونه‌شناسی ساخت معنا»^۵ در «*اِثْم*»، قابل مقایسه با نمونه مشابه در زبان انگلیسی است. ریشه لاتین «*committere*» به معنای «*to bring to gather*»^۶ است؛ این ریشه در انتقال به زبان انگلیسی در ساخت «*to commit*»، ابتدا به معنای عام «درگیر شدن در کاری» به کار رفته، سپس با تخصیص، به معنای «مرتکب خطا و اشتباه شدن» منتقل شده است. این ساخت معنایی قابل مقایسه با وضعیت «*اِثْم*» در انتقال از زبان آفرآسیایی به زبان‌های سامی است؛ همزه باب افعال ثنائی در ابتدای ماده «*ثم*»، همان معنای «*to bring*» را القا می‌کند و به این ترتیب، «*اِثْم*» از معنای «جمع شدن و گرد هم آمدن» به معنای «ارتکاب گناه و خطا» منتقل شده است. (نک: پاکتچی، کارگاه معناشناسی تقوا، آبان ۱۳۹۷) مؤلفه «همگرایی و مشارکت» در امر ناپسند، در برخی کاربردهای سامی باقی مانده است.

گناه و اشتباه/تقصیر

علاوه بر زبان عربی، ماده «*اِثْم*» عمده‌ما در شاخه شمالی زبان‌های سامی رواج دارد. (zammit, 69) از جمله کاربردها، صورت اسمی אָפֿשָׁט در عبری با تلفظ aššam در معانی «کارناشاپست»، «گناه» و «تقصیر» است. (مشکور، ۶/۱؛ Gesenuse, 79-80) ساخت اسمی āššam در آرامی کتاب مقدس، علاوه بر معانی «جرم و بزه» و «تقصیر و کوتاهی»، به معنای «کفاره گناه» اشاره دارد. کاربرد صورت‌های فعلی از ماده «*اِثْم*» در عبری و آرامی (jastrow, 129) و عدم کاربرد آن در آیات قرآن، نشان از تضییق کاربرد «*اِثْم*» در قرآن کریم دارد.

ریشه‌شناسی، ابزاری برای ارزیابی مؤلفه‌های معنایی «*اِثْم*» نزد لغت‌شناسان است. بنا بر نتایج ریشه‌شناسی، اصلی‌ترین مؤلفه در ماده «*اِثْم*»، «اتصال و همگرایی» است که در کتب لغت به آن اشاره‌ای نشده

۱. زبان‌های سامی، بن ثنائی داشته‌اند و در گذر زمان، با افزوده شدن حرف یا حروفی به عنوان آوند به ریشه ثلاثی و... تبدیل شده‌اند. (O'Leary, 176-177)

2. gather

3. join

۴. واج š («ج») آفرآسیایی در زبان‌های سامی مانند آرامی و عبری به واج «ش» و در عبری تبدیل به «ث» شده است.

5. Typology of Meaning Formation

۶. دور هم جمع کردن، گرد هم آوردن

است. همزادهای «اِثم» در آرامی و عبری، مؤید مؤلفه‌های «تعمد و قصدمندی» و «تقصیر و کوتاهی» است. درباره مؤلفه «درنگ و تاخیر» در سخن ابن فارس باید گفت، روشن شد که مؤلفه «اتصال» در ریشه ثنائی «ثم» وجود دارد، هنگامی که در این اتصال ترتیب قرار داده شود، «درنگ و تاخیر» به وجود می‌آید که این مؤلفه در حرف ربط «ثم» (درباره تراخی و تأخیر) نیز دیده می‌شود. دیگر مؤلفه‌ها در کلام لغویان مانند «پلیدی»، «حرمت» و «دروغ» می‌بایست در کاربردهای «اِثم» در آیات، راستی آزمایی شود.

۲. مؤلفه‌های حاصل از کاربرد «اِثم» در قرآن کریم

کاربرد یک مفهوم در صورت‌بندی‌های مختلف، ضمن تعیین حوزه‌های کاربردی، باعث تولید مصادیق جدید می‌شود.

۱. ۲. روابط معنایی ماده «اِثم» در قرآن کریم و مهم‌ترین مفاهیم هم‌نشین

مهم‌ترین روابط معنایی نزد معناشناسان عبارت‌اند از: هم‌معنایی (ترادف)، تقابل معنایی، تضاد معنایی، شمول معنایی، چندمعنایی (اشتراک معنوی)، هم‌نامی (اشتراک لفظی)، جزء واژگی، عضو واژگی، واحد واژگی. (صفوی، ۴۳) در فضای مطالعات قرآنی ایران، درباره گونه‌ای جدید از روابط معنایی سخن رفته که حاصل تلفیق با روابط ساختاری است؛ سخن از وجود چهار نوع رابطه مکملی، اشتدادی، تقابلی و توزیعی میان دو واژه هم‌نشین است. مراد از روابط مکملی، رابطه معنایی بین دو واژه، بر پایه ساختار نحوی است. رابطه اشتدادی، رابطه دو مفهوم با مؤلفه معنایی مشترک است که در مقام تقویت و معاضدت یک‌دیگرند. تقابل معنایی، رابطه دو مفهوم با مؤلفه معنایی مشترک است که در مقام تضعیف و نفی هم هستند. رابطه توزیعی نیز، رابطه دو مفهوم در یک «حوزه معنایی»، با قلمروهای متمایز است. (نک: سلمان‌نژاد، ۱۶)

«اِثم» ۴۸ بار منحصراً در صورت‌های اسمی در قرآن کریم به کار رفته است؛ ۳۷ مورد ساخت مصدری «اِثم» و بقیه موارد، «اِثم»، «اِثم»، «اِثم» و «تأثم» است. هم‌نشین‌های «اِثم» در آیات، به صورت سلبی و ایجابی می‌تواند ما را به مفهوم «اِثم» و مؤلفه‌های معنایی آن نزدیک کند. در ادامه بر اساس ساخت صرفی، به روابط معنایی اِثم با مهم‌ترین هم‌نشین‌ها خواهیم پرداخت.

۱. ۲. ۱. ساخت مصدری «اِثم»

بیش‌ترین کاربرد ماده اِثم در آیات در ساخت مصدری «اِثم» است که رابطه مکملی، تقابلی و توزیعی با هم‌نشین‌ها دارد.

۱. ۲. ۱. ۱. روابط مکملی ساخت مصدری اِثم

- همنشینی «اثم» و «کسب»

ماده «کسب» ۶۸ بار در قرآن کریم به عنوان استعاره در مورد تمامی دست‌آوردهای انسان (خیر یا شر) به کار رفته است. (نک: طباطبایی، ۲/ ۲۲) کسب امور منفی غالباً در ارتباط با اعمال و اقوال مشرکان در استهزاء آیات و نسبت دروغ به خداوند است. کسب اثم، حلال شمردن محرمات الهی در ذبائح مشرکان به نام بت‌هاست. (جاثیه: ۹-۱۰) آیات، «کسب» را در ارتباط با «قلب» (بقره: ۲۵۵؛ مطففین: ۱۶) مطرح کرده‌اند، همچنین انجام اثم پس از سمع آیات (اولین سطح فهم) است که هر دو تأکیدی بر مؤلفه «تعمد و قصدمندی» در اثم است. از میان مفاهیم ناظر بر گناه ذیل ماده کسب، مفهوم «سینه» جانشین «اثم» است. کاربردها و روابط «سوء» و «سینه» در آیات نشان می‌دهد، این مفهوم در مقایسه با دیگر مفاهیم حوزه معنایی گناه، معنا و کاربرد عامی در ارزش منفی اخلاقی دارد. (نک: پاکتچی، «معناشناسی حسن و قبح در قرآن و حدیث»، ۱۰-۲۲)

- همنشینی «اثم» و «افتراء»

شرک و کفر، «افتراء اثم» آشکار شمرده شده است. (نساء: ۴۸ و ۵۰) وجه تسمیه «اثم» به «افتراء»، به جهت نسبت‌های دروغین به خداوند در داشتن شریک و فرزند (یونس: ۳۰ و ۶۸؛ هود: ۲۱؛ نحل: ۸۷ و ۱۱۶؛ قصص: ۷۵) و نیز تغییر حکم خداوند درباره «حلال و حرام الهی» همچون انعام و ارزاق و قتل اولاد است. (انعام: ۱۳۶-۱۳۷؛ یونس: ۵۹-۶۰، مائده: ۱۰۳) مشرکان با تغییر حکم خداوند در حرمت یا حلیت ارزاق و اعمال، به دروغ آن را به خداوند نسبت می‌دادند. «ظلم» مهم‌ترین جانشین «اثم» و موید معنای شرک در آیات است. (بقره: ۱۹؛ طلاق: ۱) در آیات ۶۳-۶۴ سوره مائده، تعبیر «قولهم الاثم»، اثم از مقوله سخن و به قرینه بافت آیات منظور از آن، سخن دروغ و باطل یهود در عبارت «يَدُ اللّٰهِ مَغْلُوْلَةٌ» است. (طبرسی، ۳/ ۳۳۹) در همنشینی با مفاهیم ازدیاد و مسارعه «کفر» جانشین «اثم» است. (آل عمران: ۱۷۶)

- همنشینی «اثم» و «بهتان»

«بهتان»، دروغ بستن بر دیگری (تهمت) و از مفاهیم منهی خداوند است. چهار مورد همنشینی «بهتان» و «اثم» به معنای «تهمت دروغ» و «نسبت فحشاء» به مؤمنان است. (نساء: ۲۰؛ احزاب: ۵۸؛ نور: ۱۶)

آیه ۲۰ سوره نساء، نهی از اخذ مهریه زنان با «بهتان» و «اثم» یعنی «نسبت دروغ» است. مورد دیگر از همنشینی «بهتان» و «اثم» آیه ۱۱۲ سوره نساء از کسب «اثم» و نسبت دادن به دیگری، تعبیر به «بهتان» و

«اثم» عظیم شده است (نساء: ۱۱۲)، به قرینه آیه، «اثم» قول دروغ یا باطلی است که قابلیت انتساب به دیگران را دارد.

آیات ۵۷-۵۸ سوره احزاب، آزار و اذیت زنان و مردان مؤمن درباره آنچه کسب نکرده‌اند، «بهتان» و «اثم» آشکار است؛ به قرینه همنشینی با بهتان، «اثم»، آزار زبانی و نسبت دروغ به مؤمنان است؛^۱ شأن نزول آیه نیز مؤید این معنا و درباره گروهی از زناکاران است که به اذیت زنان مؤمنان می‌پرداختند. (طبرسی، ۵۸۰/۸؛ طوسی، ۳۶۰/۸) در آیات از «افک» و تهمت فحشاء به مؤمنان، به «بهتان» و «اثم» تعبیر شده است؛ قصد تهمت زندگان «اشاعه فاحشه» در میان مؤمنان است. (نور: ۱۱-۱۶)

- همنشینی «اثم» و «افک»

«افک»، مطلق دروغ و در اصل هر چیزی است که از وجه اصلی و حق، به باطل منحرف شود (راغب اصفهانی، ۷۹) «افک» در آیات، افتراء «باطل» و نسبت دروغ به خداوند (عنکبوت: ۱۷؛ احقاف: ۲۸)، به پیامبران (فرقان: ۴) و به مؤمنان است. (نور: ۱۱) مطابق آیات، «افک» کسب اثم است (نور: ۱۱) و «أفک» اثم مردم را با «کذب» و «باطل» از حق منحرف می‌کند. (فراهیدی، ۴۱۶/۵) «کذب» و «بطلان» و تقابل با حق مؤلفه‌های مشترک «اثم» و «افک» در آیات است. (اعراف: ۱۱۶-۱۱۷؛ بقره: ۱۱۸)

- همنشینی «اثم» و «حرمت» (حوزه محرّمات)

«حرم» در زبان‌های سامی در معانی «بازداشتن»، «محرور و ممنوع شدن» و «از شرع خارج بودن» است. (Gesenius, 355-356؛ مشکور، ۱/۱۷۵) در مواردی که این بازداشتن به معنای ممنوعیت عملی یا استفاده از شیء است، ناظر به معنای «حرام» است. (نک: پاکتچی، ۳۳۵/۲۰)

غالب آیات «اثم»، در بافت محرّمات الهی است. آیه ۳۲ سوره اعراف، توبیخ تحریم‌های دروغین مشرکین درباره خوردنی‌های پاک و حلال است؛ آیه بعد، برای اولین بار در سور مکی به تعیین محرّمات الهی از جمله «اثم» می‌پردازد.

در چند آیه مفهوم «اثم»، به «ذبیح مشرکین» و خوردنی‌هایی اشاره دارد که مشرکان به دروغ، حلال یا حرام بودن آن را به خداوند نسبت داده‌اند. (مائده: ۳؛ انعام: ۱۲۰) آیه ۱۱۹ سوره انعام، توبیخ درباره نخوردن از ذبیح حلال است. آیه بعد با یادآوری محرّمات (ذکر شده در آیه ۳۳ سوره اعراف)، امر به رها کردن «اثم» است که به قرینه بافت، به ذبیح مشرکین اشاره دارد. تفاسیر، وجه تسمیه ذبیح مشرکان به «اثم» را ذکر نکردن نام خداوند بر آنها شمرده‌اند. (طباطبایی، ۳۳۳/۷)، اما وجه تسمیه، حلال شمردن محرّمات الهی و نسبت دروغ به خداوند درباره این ذبائح است.

۱. آیه ۵۶ احزاب، مؤمنان را به صلوات بر پیامبر اکرم (ص) امر می‌کند؛ صلوات، قولی مورد رضایت خداوند است.

آیات ۱۶۸-۱۷۳ سوره بقره، «اِثْم» در بافت محرّمات است. آیات ۱۶۸ و ۱۷۲، امر به خوردن «حلال از طیبات» و نهی پیروی از شیطان است. آیه ۱۷۳، پس از تعیین محرّمات الهی در خوردنی‌ها (از جمله میته و خون و گوشت خوک)، تأکید می‌کند که در صورت عدم زیاده خواهی، اثمی بر مضطر نیست؛ اثم بنا بر بافت این آیات، سخن مشرکان در حلال شمردن محرّمات است و اگر خوردن محرّمات تنها از باب اضطرار باشد و نه حلال شمردن آنها، مصداق اثم نیست.

آیات ابتدایی سوره مانده، تشریح حلال و حرام الهی است. آیه دوم، نهی از حلال شمردن محرّمات در بافت سخن از حج است؛ از جمله: شعائر الهی، ماه‌های حرام، قربانی و... است. احلال محرّمات، بی احترامی و یا ترک دستور خداوند درباره آنهاست. (طباطبایی، ۱۶۲/۵)؛ آیه نهی از تعاون مؤمنان بر اثم و عدوان، یعنی همکاری و معاونت در حلال شمردن محرّمات الهی و تعدی به افراد است.

آیه ۳ سوره مانده پس از تعیین محرّمات از خوردنی‌ها، در شرایط اضطرار، از تمایل به «اِثْم» نهی شده است. غالب مفسران عبارت «غَيْرَ مُتَّجَانِفٍ لِإِثْمٍ» در آیه را «غیر متمایل به گناه» معنا نموده‌اند، اما طبرسی به نقل از ابن عباس، قتاده و مجاهد، درباره این عبارت می‌نویسد: «کسی که نسبت به خوردن میته و چیزهایی که خداوند حکم به حرمت آنها کرد، اضطرار پیدا کند، بدون اینکه این اضطرار را خود خواسته باشد و حرام را حلال بشمارد، مجاز است که به اندازه حفظ جان خود - و نه بیشتر - صرف کند.» (طبرسی، ۲۴۷/۳) بنابراین اثم در آیه نه به معنای «مطلق گناه»، بلکه قولی دروغ و حاوی «حلال شمردن محرّمات الهی» است.

مفاهیم جانشین اثم در آیات در هم‌نشینی با مفهوم «حرمت»، شامل «شُرک»، «سخن نادانسته درباره خداوند» (بقره: ۱۶۹؛ اعراف: ۲۸)، «قتل به ناحق»، «فواحش» و «بغی» هستند. (بقره: ۸۵؛ انعام: ۱۵۱، اعراف: ۳۳، نحل: ۱۱۵، اسراء: ۳۳، فرقان: ۶۷) بنابراین «حرمت» مهم‌ترین مؤلفه کاربردی اثم در قرآن کریم بوده و با مفاهیم اجتناب و نهی از «اِثْم» در آیات مرتبط است.

- هم‌نشینی «اِثْم» و اجتناب و نهی

«حرّمات الله» در آیات، متعلق «نهی» و «اجتناب» است. «اجتناب» در آیات ارتباط مستقیم با شرک و اعمال مشرکان دارد و درباره طاغوت (بت‌ها) (نحل: ۳۶)، عبادت طاغوت (زمر: ۱۷)، اوئان (بت‌ها) و قول زور (شرک) (حج: ۳۰) به کار رفته است. از دیگر موارد لازم الاجتناب، خمر (شراب)، میسر (قمار)، انصاب (بت‌ها و یا سنگ‌هایی که برای ذبح قربانی‌ها در اطراف خانه کعبه نصب می‌کرده‌اند) و ازلام (تیره‌های تقال و استخاره) (مانده: ۹۰) است که با عنوان «رجس» و «عمل شیطان» معرفی شده

است. (مانده: ۹۱) برخی از این موارد مصادیق «اثم کبیره» هستند (بقره: ۲۱۹) که مشرکان با دروغ، حلیت آنها را به خداوند نسبت داده‌اند.

- همنشینی «اثم» و فواحش

«فواحش» (جمع «فحشاء» و «فاحشه»)، اعمال و اقوالی است که قبیح بزرگی دارد (راغب اصفهانی، ۶۲۶) و در آیات به انحراف در امور جنسی اشاره دارد. (اسراء: ۳۱) چهار مورد کاربرد «فواحش» در قرآن، با «اثم» و «کبائر الاثم» همنشینی انحصاری دارد (انعام: ۱۵۱، شوری: ۳۷؛ نجم: ۳۲)؛ «فواحش» و «اثم» از محرمات و نواهی الهی و لازم الاجتناب هستند. (اعراف: ۳۳؛ نحل: ۹۰) از «تهمت فحشاء» به مؤمنان، به «اثم» تعبیر شده که مقصود تهمت دروغ و باطل است. (نور: ۱۱-۱۶) مشرکان، همانند شرک، انجام «فاحشه» را نیز به امر خداوند می دانستند و قصد اشاعه و رواج آن میان مؤمنان را داشتند؛ آیات، انتساب فواحش و اثم به خداوند را نفی (اعراف: ۲۸) و این دورا از اوامر شیطان (بقره: ۱۶۹ و ۲۶۸؛ نور: ۲۱) می‌شمرند. علاوه بر مؤلفه‌های حرمت و نهی، مؤلفه «پلیدی و زشتی» موجود در مفاهیم «اثم» و «فواحش»، موجب عدم ملائمت با طبع انسان و ناظر بر انگاره «حسن و قبح ذاتی» در قرآن است؛ به این معنا که دو مفهوم «اثم» و «فواحش» پیش از نزول شرایع و ورود حکم شرعی، معنای خود را داشته‌اند و معیاری پیشینی برای ارزشیابی و عدم مطلوبیت در آنها وجود داشته است. (نک: پاکتچی، «معناشناسی حسن و قبح در قرآن و حدیث»، ۱۳)

- کبائر «الاثم»

غالب مفاهیم حوزه معنایی گناه در قرآن همچون عصیان، ذنب، خطیئه، سینه کاربرد مطلق و غیر وصفی دارند،^۱ اما کاربرد «اثم» در صورت‌های وصفی مختلف همچون «کبائر الاثم»، «اثم کبیر»، «اثم مبین» و «ظاهر الاثم و باطنه»، نشان از طیفی و نسبی بودن این مفهوم دارد. مهم‌ترین این مفاهیم، ترکیب «کبائر الاثم» است که از آن به «گناهان کبیره» تعبیر شده و اجتناب از آن، ویژگی مؤمنان است. (نجم: ۳۲؛ شوری: ۳۷) بزرگ‌ترین موارد نهی الهی در قرآن شامل «شرک و کفر»، «اقوال شرک آلود مانند عوض نمودن حلال و حرام الهی»، «فواحش»، «شراب» و «قمار»، «قتل به ناحق»، «قتل فرزندان» و «خوردن مال یتیم» است (انعام: ۱۲۰؛ مانده: ۹۰؛ فرقان: ۶۸؛ اسراء: ۳۱-۳۴)؛ به قرینه روابط همنشینی، «کبائر الاثم» بزرگ‌ترین محرمات الهی و بخشی از «کبائر ما تنهون عنه» (نساء: ۳۱) است که به شرط اجتناب از

۱. مفاهیم «ذنب»، «خطیئه»، «جرم» و «فسق» و الگوی حاصل از آن‌ها در مقاله‌ای با عنوان «صورت بندی گناه در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی مفهوم «ذنب» از همین نویسندگان چاپ شده است. متفاوت از «اثم»، مفاهیم «ذنب» و «خطیئه»، «جرم» و «فسق»، دایره مدار تخلف از پیمان‌ها (الهی یا انسانی) هستند؛ از این صورت بندی می‌توان به عنوان الگوی «ذنب محور» از گناه یاد کرد. در الگوی اخیر، آنچه عمل را گناه‌آلود ساخته، نقض پیمان و قراردادی است که قصور در آن به ناهنجاری در رابطه موجود می‌انجامد. (مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۶۶، سال بیست و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸)

آنها، خداوند وعده پوشاندن «سینات» (مطلق اعمال بد) را داده است. (نساء: ۳۱)

- همنشینی «اثم» و لمم

در آیه «الذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش الا اللمم» (نجم: ۳۲)، لمم از مستثبات «کبائر الاثم» و «فواحش» در وصف مؤمنان است. در معنای «للم» اختلاف نظر وجود دارد؛ مطابق نظر منتسب به ابن عباس، «للم» گناہانی است که قبلاً مرتکب شده، یا در حال نزدیک شدن به آن باشد. (طبری، ۲۷/ ۴۰ - ۳۹) راغب می‌گوید «للم» یعنی به گناه نزدیک شود اما مرتکب آن نگردد. (راغب اصفهانی، ۷۴۶) «للم» همچنین به «اندک» معنا شده است. (یاحقی، ۳/ ۱۲۶۹) پراکندگی آراء درباره «للم» نشانه حدسی و ذوقی بودن نظرات است.

ریشه آفروآسیایی «lüm» به معنای «زیاد» و «بزرگ» است. این ریشه در سامی به صورت «l²Vm» به معنای «زیاد» و «هزار» به کار برده شده است. (orel, 366) از ریشه ثنائی «LM» ریشه ثلاثی «LMM» در زبان عربی به معنای «بزرگ» و «توده» ساخته شده است.^۱ «للم» در کاربردهای قرآن کریم از معنای بزرگ شدن به معنای خطور کردن - ناظر به نوعی معرفت - انتقال یافته است.^۲ حسن بصری تنها مفسری است که به این معنا از «للم» اشاره کرده و آن را «الخطر من الزنا و شرب الخمر» می‌نامد؛ «ملیم»، رشد و تقویت یک فکر در انسان است (نک: پاکتچی، «حرام»، ۱۰۷-۱۰۹)، در نتیجه «للم» به مانند «ظن» (حجرات: ۱۲)، از مفاهیم حوزه معنایی «ادراک و معرفت» و مرتبط با اثم است. بر اساس این ریشه شناسی، مؤمنان غیر از لمم یعنی خطورات ذهنی اثم و فواحش که امری غیر اختیاری است، از ارتکاب «کبائر الاثم» و «فواحش» دوری می‌کنند.

نکته مهم این که تعبیر «کبائر الاثم» در هیچ یک از آیات، در تقابل با «اثم» یا «صغائر الاثم» نیست؛ بلکه در تقابل با «للم» است، به عبارتی سخنی از «اثم» صغیره در آیات وجود ندارد و «کبائر»، قید «توضیحی» برای «اثم» است و نه قید «تخصیصی»؛ در نتیجه صورت بندی گناهان به «صغیره و کبیره» ذیل مفهوم «اثم»، تقسیم بندی متأخر و حاصل سنت تفسیری است.

- همنشینی «اثم» و «ظن»

آیه ۱۲ سوره حجرات، با امر به اجتناب از «ظن»، بعضی از ظنون را «اثم» می‌نامد: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم»؛ «ظن» از مفاهیم حوزه معنایی «ادراک و معرفت»، مربوط به

۱. و در آیه: «وتاکلون التراث اکلا لئما» (فجر: ۱۹)، «لئما» به معنای توده است.

۲. صورت بندی ساخت معنا در «للم» این گونه است که چیزی در ذهن انسان بزرگ می‌شود اما هنوز به قطعیت نرسیده است.

ساحت ذهنی و به معنای گمانی است که در حال افزایش پیدا کردن است. (نک: پاکتچی، «حرام»، ۱۰۹) آیات از دو نوع ظن «خیر» (حاقه: ۲۰؛ نور: ۱۲) و «سوء» (فتح: ۶) سخن گفته‌اند. همانند «اثم»، در آیات از مواردی چون «شُرک»، تعیین شریک برای خداوند (یونس: ۳۵-۳۶ و ۶۶؛ صافات: ۸۷)، افتراء دروغ به خداوند با تغییر حرام و حلال الهی (یونس: ۵۹-۶۰؛ انعام: ۱۱۶-۱۴۸) به عنوان «تبعیت از ظن و اهواء [نفسانی]» نام برده شده که در تقابل با تبعیت از «حق» است. (نجم: ۲۳) مفهوم «ظن» در آیات، معمولاً همنشین با مفاهیم «قول و سخن» است، همنشینی «اثم» و «ظن»، رابطه میان معرفت و عمل را مشخص می‌کند؛ ظن اثم، افکار و عقاید دروغین و باطلی است که زمینه ساز و علت اثم (اقوال دروغین و باطل) است.^۱

۲. ۱. ۱. ۲. مفاهیم با رابطه تقابلی با اثم

روابط تقابلی نقش مهمی در شناسایی یک مفهوم دارند. در ادامه مهم‌ترین مفاهیم در رابطه با «اثم» را بررسی خواهیم کرد:

- تقابل «بر» با «اثم»

ساخت مصدری «بَرَّ» در قرآن، با مفهوم «اثم» تقابل انحصاری دارد؛ مؤمنان از تعاون (مانده: ۲) و تناجی به اثم (مجادله: ۸-۹) نهی شده و به «بَرَّ» و «تقوی» امر شده‌اند. کتب لغت، معانی متعدد از جمله تقوا و پرهیزکاری، احسان و نیکی، کار خیر و صلاح، صدق و راستی و عبادت را برای «بَرَّ» ذکر کرده‌اند که متضمن مؤلفه معنایی «توسع و گستردگی در وجه مثبت» هستند.^۲ (زبیدی، ۶/ ۶۹-۷۰؛ صاحب بن عباد، ۱۰/ ۲۱۵؛ راغب اصفهانی، ۱۱۴) ایزوتسو به مانند اثم، به پیچیدگی معنای «بَرَّ» اشاره نموده و معتقد است ترجمه این مفهوم به معنایی چون پرهیزکاری، نیکی و راستی، به تنهایی نمی‌تواند حق واژه را ادا نماید. (ایزوتسو، ۴۲۳-۴۲۲) ریشه‌شناسی می‌تواند پاره‌ای از ابهامات درباره مفهوم «بَرَّ» را روشن کند.

- ریشه‌شناسی و معنای «بَرَّ» در قرآن

ماده ثنائی «بَرَّ» (BR) ریشه‌ای شناخته شده در زبان آفروآسیایی است. (cf: orel, 53-57) در زبان‌های سامی، «بَرَّ» در دو حوزه کاربرد دارد: نخست مدلول حسی به معنای «گندم» و «پاکی و تمیزی» (orel, 54)؛ دوم: مدلول غیر حسی و مربوط به هنجارهای حوزه اخلاق، یعنی «نیکویی»، «راستگویی»، «پاکی» و «برگزیدگی». (نک: مشکور، ۱/ ۵۷؛ Gesenius, 141)^۳

۱. آیه ۱۲ سوره نور در قضیه «افک» که از آن به عنوان «اثم» یاد می‌کند نیز امر به «ظن خیر» درباره مؤمنان را با «سخن» نیکو درباره ایشان، همراه ساخته است.

۲. مدلول حسی مفهوم «بَرَّ» به معنای خشکی وسیع است. «بَرَّ» به معنای گندم بالاترین وسعت مصرف در بین غذاها را داشته است. (راغب اصفهانی، ۱۱۴-۱۱۵)

۳. تنها کاربرد مدلول حسی از ماده بر قرآن کریم کلمه «بَرَّ» به معنای بیابان است. (روم: ۴۱)

کاربرد فعلی این ریشه به صورت «بِرّ» در آشوری، معنای «درخشان بودن» دارد که در انتقال به عبری به معنای «تصفیه و تطهیرکردن» است. (مشکور، ۱/ ۵۷؛ Gesenius, 141) وصف «بِرّ» در زبان عبری به دو معنای تمیز و پاک^۱ و خالص^۲ که دومی وصف قلب است (Gesenius, 141)؛ دقت در آیات قرآن نیز مؤید تقابل مفهوم «بِرّ» با «اِثم» در همنشینی با «قلب» است. (بقره: ۲۸۳)

با تکیه بر ریشه شناسی «بِرّ» و سیر تحول معنا در زبان‌های سامی، به نظر می‌رسد کاربرد این ماده در جنبه‌های حسی به معنای «پاکیزگی» و «درخشندگی» بوده، سپس با توسعه دامنه معنایی در جنبه ارزش‌های اخلاقی به معنای «راستی»، «پاکی از آلودگی‌های اخلاقی»، «اخلاص» و «نیکویی» به کار رفته است.

«بِرّ»، «صداقت» و «درخشندگی عمل» و «پاکی و خلوص قلب» است؛ در تقابل با این مؤلفه‌ها، «اِثم»، «کذب» و «ناراستی» و «آلودگی قلب» است. تعبیر «اِثْمٌ قَلْبُهُ»، به دروغ‌گویی و پلیدی قلب در اثر «کتمان شهادت» اشاره دارد. (بقره: ۲۸۳؛ مانده: ۱۰۷) تقابل میان «صداقت» و «کذب» در «بِرّ» و «اِثم»، نه در ریشه بلکه به کاربرد و بافت آیات مربوط است.

صفت «اِثم»، باعث «رین و غبار بر قلب»، اختلال در ادراک آیات و بهره‌نبردن از هدایت الهی است. (مطففین: ۱۳-۱۴؛ نک: طباطبایی، ۲۰/ ۲۳۴) مطابق روایت پیامبر اکرم (ص) نیز، انجام «بِرّ» باعث اطمینان جان و قلب و در تقابل با آن، ارتکاب «اِثم» موجب در هم تنیدگی و آرامش نداشتن قلب است. (طبرسی، ۱/ ۳۰۲)

کاربرد مفاهیم «قلب» و «سمع»، در همنشینی با ساخت‌های «اِثم» و «اِثم» (بقره: ۱۸۱ و ۲۸۳؛ شعراء: ۲۲۳؛ جاثیه: ۸) شاهد دیگر بر ارتباط «اِثم» با حوزه معنایی «ادراک و معرفت» است. «سمع» ابزار ادراک اولیه و «قلب» به مثابه مرکز شناخت و منبع ادراک و انفعالات نفسانی است (نک: ابن عاشور، ۵۹۱/۲؛ طباطبایی، ۲/ ۲۲)؛ بیماری‌های قلب و جان از نوعی اعتقاد یا عمل نادرست ناشی می‌شوند.

- تقابل «نفع» با «اِثم»

در ۱۷ آیه، تقابل اصلی ماده «نفع» با مفهوم «صَرَّ» است؛ اما آیه «يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره: ۲۱۹)، مورد منحصر به فرد از تقابل «نفع» با «اِثم کبیر» است. «اِثم» در این آیه به عنوان «امر قابل کسب و مضر» در برابر «نفع» به عنوان «امر قابل

1. clean
2. pure

کسب و مفید» قرار گرفته است؛ مقایسه میان مکسوبات مفید و مضر در خمر و میسر است و اگر امکان چنین مقایسه‌ای میان «اثم» و «منافع» نبود، عبارت معنای محصلی نداشت. در نتیجه شراب و قمار اگرچه ممکن است منافی داشته باشند، اما ضرر و اثرات نامطلوبی که در جان و قلب انسان باقی می‌گذارند بسی بیشتر و در نتیجه آسیب‌های آن از منافع مختصرش بزرگ‌تر است. (نک: رهنما، ۱۲۰) جانشینی ضرر از اثم قرینه دیگری بر وجود ارزش منفی ذاتی در «اثم» است.

- جانشینی «رجس» از «اثم»

در آیه ۹۰ سوره مائده «رجس»، به «خمر» و «میسر» نسبت داده شده است. با توجه به کاربرد «اثم کبیر» برای این دو مفهوم (بقره: ۲۱۹)، «رجس» جانشین «اثم کبیر» در قرآن است. مفاهیم «رجس» و «اثم» از اوامر شیطان، مرتبط با قلب (توبه: ۱۲۵)، نهی شده و لازم الاجتناب (مائده: ۹۰) هستند. «رجس» در تقابل با «طهر» به «پلیدی و ناپاکی (معنوی)» اشاره دارد (احزاب: ۳۳)؛ آنچه «خمر» و «میسر» را مصداق «اثم» و «رجس» نموده، پلیدی و آلودگی است که بر دل باقی می‌گذارند.

- تقابل «اثم» با «اصلاح»

از تبدیل عامدانه «وصیت» با دروغ‌گویی درباره آن تعبیر به «اثم» شده است. (بقره: ۱۸۱) «اثم» در همنشینی با جنف، به معنای میل به باطل و در تقابل با «اصلاح» در امر وصیت است. (بقره: ۱۸۲) در تقابل با مفهوم «اصلاح در روابط اجتماعی»، «اثم»، انحراف به «باطل» و دروغ‌گویی در امر مهریه (نساء: ۲۰)، شهادت دروغ در بحث دین (بقره: ۲۸۳) و نیز وصیت (مائده: ۱۰۶-۱۰۷) است. «اصلاح»، شرط پذیرش توبه از «اثم» نیز است. (مائده: ۳۹)

تقابل «اصلاح» و «اثم» در آیات دیگر نیز مشاهده می‌شود: نجوای مشرکان، «اثم» یعنی قول مخفیانه دروغینی است که خداوند از آن ناراضی است (نساء: ۱۱۳)؛ در مقابل، «نجوا» برای «اصلاح میان مردم»، مرضی خداوند است. (نساء: ۱۱۴) نجوی [به باطل] از مصادیق «باطن الاثم» و مورد نهی است. (مجادله: ۹-۸)

«اثم» در برخی کاربردها در همنشینی با افعالی غالباً در باب «تفاعل» قرار گرفته است، از جمله: «تاکلون بالاثم» (بقره: ۱۸۸)، «تظاهرون بالاثم» (بقره: ۸۵)؛ «تعاون علی الاثم» (مائده: ۲)، «مسارعة فی الاثم» (مائده: ۶۲)، «تناجی بالاثم» (مجادله: ۸ و ۹)، «استحقق اثمًا» (مائده: ۱۰۷) و «أخذ بالاثم» (نساء: ۲۰)؛ کاربردی که دیگر مفاهیم گناه در قرآن مشاهده نمی‌شود. «اثم» در این کاربردها با مؤلفه «همگرایی و معاونت» در امر ناپسند، ناظر بر محرّمات در روابط انسانی و اجتماعی» و «میل به باطل» است.

در فرهنگ جاهلی و نظام قبیله‌ای عرب، تعاون و مشارکت بر «اِثم»، امری قابل انتظار است که آیات نسبت به آن هشدار می‌دهد. اخلاق اجتماعی مانند اخلاق فردی متوجه عموم افراد جامعه است. تعاون، همکاری و اشتراک مساعی، به همان اندازه که سازندگی و پیشرفت امور را سهولت می‌بخشد، می‌تواند در آشفتنگی و اختلال امور مؤثر باشد و در ناامنی و بی‌نظمی جامعه با سرعت و موفقیت بیشتری عمل کند. آیات قرآن به تعاون و همکاری برای تشکیل اجتماعی بر اساس مجموعه فضایل اخلاقی با منافع و مزایای معنوی و مادی دعوت می‌کند.

۳. ۱. ۱. مفاهیم با رابطه توزیعی با اثم

در ادامه به مفهوم «عدوان» به عنوان مهم‌ترین مفهوم در رابطه توزیعی با اثم در قرآن می‌پردازیم:

- همنشینی «اِثم» و «عدوان»

زوج معنایی «اِثم» و «عدوان» ۵ بار در آیات، همنشین شده‌اند. (بقره: ۸۵؛ مائده: ۲ و ۶۲؛ مجادله: ۹) ریشه «عدو» ۶۶ کاربرد در قرآن دارد و لغویان مؤلفه اصلی آن را «تجاوز و درگذشتن از حدّ» می‌دانند (فراهیدی، ۲/ ۲۱۴)؛ نتایج ریشه‌شناسی (orel, 54) و همنشینی با مفهوم «حدود الله» در آیات (بقره: ۲۲۹؛ نساء: ۱۴) نیز مؤید این معناست.

در دو آیه از قرآن، دوگان «اِثم و عدوان» در تقابل با دوگان «بِرّ و تقوی» قرار گرفته (مائده: ۲؛ مجادله: ۹)، از معاونت و تناجی به «اِثم و عدوان» نهی شده و به معاونت و تناجی بر «بِرّ و تقوا» امر شده است. بیشتر مفسران و لغویان معتقد به وجود لف و نشر مشوش در آیه هستند و «اِثم» را در تقابل با «تقوا»، مربوط به ساحت فردی و «عدوان» را در تقابل با «بِرّ»، مربوط به ساحت اجتماعی تلقی نموده‌اند. (راغب اصفهانی، ۷۱؛ طوسی، ۱۹۸؛ طبرسی، ۲/ ۷۹۲)

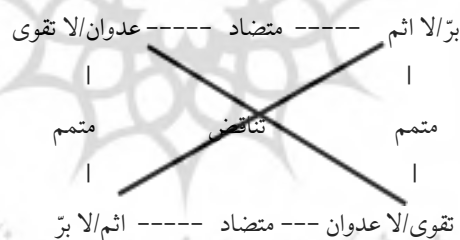
اما بافت آیه، نتایج ریشه‌شناسی و کاربردهای غالبی «اِثم» در قرآن نشان می‌دهد تقابل مربوط به ساحت فردی و اجتماعی این مفاهیم نیست.^۱ مفاهیم «اِثم» و «بِرّ» در مؤلفه «ایجابی بودن» و «همگرایی و مشارکت» و مفاهیم «تقوا» و «عدوان» در مؤلفه «سلبی بودن» و «واگرایی» اشتراک دارند و تقابل آنها در آیه، به دو امر متضاد خیرات و شرور در این مؤلفه‌ها بازمی‌گردد؛ با این تقریر که همگرایی و مشارکت افراد در کسب خیرات، توسط مفهوم «بِرّ» و همگرایی و مشارکت افراد در کسب شرور، توسط مفهوم «اِثم» بیان

۱. کاربرد افعال تعاون و تناجی در باب افعال (مائده: ۲؛ مجادله: ۹) در همنشینی با این ۴ مفهوم نشان می‌دهد همگی در بافت مشارکت‌های اجتماعی مطرح شده‌اند و ساحت فردی از آنها مورد نظر نیست.

شده است. در سوی دیگر، «تقوا»، حاصل واگرایی و کناره گیری از زشتی‌ها و شرور است و «عدوان»، حاصل انفصال و کناره‌گیری از خیرات و خوبی‌ها است.

بنابراین از نگاه قرآن «افعال در زمینه مشارکت اجتماعی» را می‌توان به دو گونه کلی: اعمال با محوریت «برّ» و «تقوا» و اعمال با محوریت «اثم» و «عدوان» تقسیم نمود. میان این مفاهیم چهارگانه، سه نوع رابطه تناقض، تضاد و متممی وجود دارد: علاوه بر «رابطه تناقض»^۱ میان مفهوم «اثم» با «برّ» و مفهوم «تقوا» با «عدوان»؛ رابطه مفاهیم «برّ» با «عدوان» و نیز مفاهیم «اثم» با «تقوا» را می‌توان «رابطه تضاد»^۲ دانست. همچنین مفهوم «برّ» با «تقوا» و مفهوم «اثم» با «عدوان»، «رابطه متممی»^۳ دارند به این معنا که زوج معنایی «برّ» و «تقوا» هر دو در حوزه مفهومی «ارزشهای مثبت اخلاقی» قرار دارند، اما دارای قلمروهای متمایزی هستند و از این جهت معنای یکدیگر را کامل می‌کنند. همین سخن درباره زوج معنایی «اثم» و «عدوان» نیز صادق است با این تفاوت که این دو در حوزه مفهومی «ارزش‌های منفی اخلاقی» متمم و مکمل معنای یکدیگر هستند. (نک: پاکتچی، ۱۳۹۷)

مربع معناشناسی^۴ این چهار مفهوم را این چنین می‌توان رسم نمود^۵:



۲.۱.۲. ساخت صرفی «اثم»

«اثم» صفت مشبّهه از «اثم» و در قرآن صفت برای «تکذیب کننده روز قیامت و آیات» است؛ وی پس از شنیدن آیات با استهزاء و وصف «اساطیر الاولین»، آیات را دروغ و باطل می‌خواند و از آنها استکبار می‌ورزد. (مطففین: ۱۰-۱۲؛ قلم: ۱۲)

در دو آیه «اثم» همنشین «افاک» به معنای مبالغه کننده در کذب و افتراء و کسی است که حق را به

1. Contradiction
2. Relation of opposition or contrariety
3. Implication
4. Semiotic Square

شدت به دروغ و باطل برمی گرداند. (جائیه: ۷؛ شعراء: ۲۲۲) شیاطین با نزول بر «اثیم»، به او دروغ القای می کنند (شعراء: ۲۲۲)؛ شیطان با مس نمودن «اثیم» (بقره: ۲۷۵)، قدرت تشخیص او را مختل ساخته است؛ از این جهت وی زشتی را زیبایی و حسن را قبیح و خیر و نفع را شر و مضر می بیند. (طباطبایی، ۲/ ۴۱۰) از جمله دروغ های اثیم در اثر القای شیطان، حکم به حلال بودن ربا و همانندی آن با بیع است. (بقره: ۲۷۵)

آیه ۱۰۷ نساء، از مشرکان به علت خیانت و «سخنان مخفیانه ای که خداوند از آن نارضایتی دارد» با صفت «خَوَّانٌ اَیْمٌ»؛ وجه تسمیه «اثیم»، نجوا با محتوای «اثم» یعنی به شدت دروغین است که به قرینه آیه، شرک و کفر است. «اثیم»، وضعیت احساسی-شناختی ثابت و مستقری است که در اصطلاح الهیاتی می توان آن را ملکه یا «صفت مطلق» نامید.^۱ مشاهده کاربردهای «اثیم» نشان می دهد این وصف منحصر به مشرکان و کافران است؛ در حقیقت «اثیم» مرتبه ای از کفر است.

۳. ۱. ۲. ساخت صرفی «تأییم»

دو آیه، نفی شنیدن «لغو» و «تأییم» در بهشت است (واقعه: ۲۵؛ طور: ۲۳) بنابراین «لغو» و «تأییم» از مسموعات (شنیدنی) و از جنس «قول و سخن» هستند. جانشینی «کذاب» از «تأییم» در بافتی مشابه نبأ: (۳۵) نشان می دهد، مؤلفه اصلی تأییم، کذب و دروغ است. بنابراین «تأییم»، سخن فرد «اثیم» با مضمون تکذیب شدید آیات الهی است (نک: ابن عاشور، ۶۷/۳۰؛ فخررازی، ۳۲۰/۸) و در بهشت این نوع سخنان وجود ندارد.

نتیجه گیری

این پژوهش کوشید با به کارگیری ریشه شناسی و بررسی روابط همنشینی و جانشینی در آیات قرآن کریم، مؤلفه های معنایی اثم را مشخص و تیرگی معنایی آن را برطرف سازد. پی جویی «اثم» در زبان های سامی نشان داد این واژه، ریشه در ماده آفر و آسیایی «*Cam*» به معنای «جمع کردن و جمع شدن» دارد که در زبان های سامی با اضافه شدن همزه باب افعال ثانی در ابتدای آن، به معنای «مرتکب گناه و خطا شدن» منتقل شده است. داده های ریشه شناسی مؤید مؤلفه های معنایی «اتصال و همگرایی»، «درنگ و تأخیر»، «تعمد و قصدمندی» و «تقصیر و کوتاهی» در ریشه اثم است. مهم ترین مؤلفه های کاربردی اثم در آیات قرآن نیز «کذب»، «حرمت»، «بطلان» و «پلیدی و

۱. صفت مشبهه بیان ویژگی ثابت و پایدار است.

ناپاکی (معنوی)» است. مؤلفه «پلیدی و ناپاکی» در «اثم»، ناظر بر انگاره «قبیح ذاتی» در قرآن است؛ به این معنا که پیش از نزول شرایع و ورود حکم شرعی، معیاری پیشینی برای ارزشیابی و عدم مطلوبیت در «اثم» وجود داشته است.

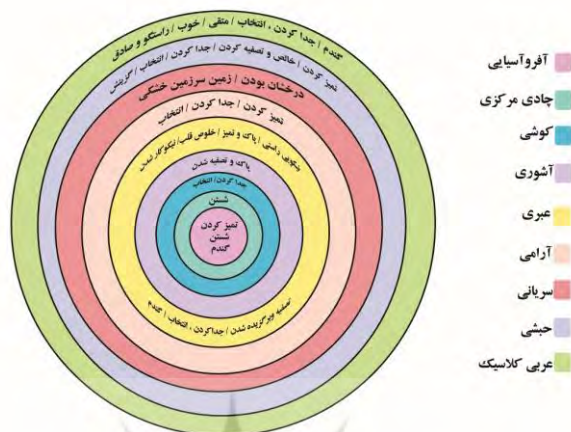
بررسی روابط معنایی و مهم‌ترین همنشین‌ها و جانشین‌ها روشن ساخت، «اثم» در کاربردهای قرآنی غالباً «افکار» و «اقوال» با مؤلفه‌های «کذب» و «بطلان» است که خداوند نسبت به آنها نارضایتی دارد. وجه تسمیه «اثم» به افتراء و افک در آیات، به جهت نسبت‌های دروغین و باطل است. «اثم» غالباً در بافت محرّمات الهی و در دو حوزه «رابطه با خدا» و «روابط انسانی» به کار رفته است. در حوزه «رابطه با خدا»، «اثم»، نسبت دروغین به خداوند در داشتن شریک و فرزند و نیز تغییر «حلال و حرام الهی» است؛ مشرکان اعمال خود از جمله شرک، کفر، فحشاء، قتل اولاد، «خوردنی‌های حرام» مانند ربا، ذبائح و شراب را حلال شمرده و حلیت آنها را به دروغ به امر و اراده خداوند نسبت می‌دادند؛ آیات «اثم» را به امر شیطان و بدون اذن خداوند دانسته است. در «روابط انسانی»، «اثم» شهادت یا تهمت دروغ «فحشاء» به مؤمنان است. در «روابط اجتماعی»، اثم «مشارکت و همگرایی» در انحراف به «باطل» و «حرام» است و خداوند امر به «اصلاح» داده است.

برخلاف دیگر مفاهیم حوزه معنایی گناه (مانند معصیت، ذنب و خطیئه)، «اثم» مفهومی نسبی و وصفی است که بر مرز شکنی در رابطه با خدا و روابط انسانی دلالت دارد. عالمان مسلمان، با الهام از مفهوم «کبائر الاثم» گناهان را به دو نوع «صغیره و کبیره» تقسیم نموده‌اند، اما بررسی آیات نشان داد، «کبائر الاثم» در آیات، نه در تقابل با «صغائر الاثم»، بلکه در تقابل با «لمم» به معنای خطورات ذهنی از آن است؛ در نتیجه صورت بندی «صغیره و کبیره» ذیل مفهوم «اثم»، متأخر و حاصل سنت تفسیری است. با توجه به جانیشینی مفهوم «اثم» از مفهوم «سوء» (عام‌ترین ارزش منفی اخلاقی در قرآن کریم)؛ از صورت بندی «اثم» در آیات می‌توان به عنوان بخشی از «الگوی سوء محور» از گناه در قرآن یاد کرد که به وجود قبیح و عدم مطلوبیت ذاتی اعمال پیش از ورود شرایع اشاره دارد. برای داشتن درکی بهتر از «الگوی سوء محور» گناه در قرآن کریم، لازم است علاوه بر سیئه، تمامی مفاهیم حوزه معنایی گناه نیز از همین منظر تحلیل شود تا بتوان به درک صحیحی از الگوهای از گناه در قرآن رسید. (نک: آگهی، مهدی جلالی،

(۱۳۹۸)

پی‌نوشت

توضیح ساخت معنای «بر» با توجه به جغرافیای زبان‌های آفروآسیایی و سامی از قدیمی‌ترین معنا تا نزدیک‌ترین معنا به عصر نزول را در شکل زیر می‌توان دنبال کرد:



پروژه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آگهی، فاطمه و مهدی جلالی، صورت بندی گناه در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی مفهوم «ذنب»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۶۶، سال بیست و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، محقق عبدالحمید هندای، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنویر، مؤسسة التاریخ، بی‌جا، بی‌تا.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، تحقیق: یعقوب عبدالنبی، الدار المصریة للتألیف و الترجمة، قاهره، بی‌تا.
- افراشی، آریتا، اندیشه‌هایی در معنی شناسی (یازده مقاله)، فرهنگ کاوش، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، فرزانه روز، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- بی‌یرویش، مانفرد، زبان شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۵ ش.
- پاکتچی، احمد، «معناشناسی حسن و قبح در قرآن و حدیث»، دو فصلنامه مطالعات روش شناسی دینی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۰-۲۱.
- _____، «حرام» در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ویرایش کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد بیستم، تهران، ۱۳۹۵ ش.
- _____، ۱۳۹۵، کارگاه معناشناسی کمیت و کیفیت در افعال حوزه معرفت در قرآن با رویکرد معناشناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ شده در مجموعه «معناشناسی در مطالعات قرآنی»، به کوشش فروغ پارسا، نگارستان اندیشه، تهران، ۱۳۹۷ ش).
- _____، «کارگاه معناشناسی تقوا»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، آبان ۱۳۹۷ ش.
- پالمر، فرانک، نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کورش صفوی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- جان لاینز، مقدمه ای بر معناشناسی زبان شناختی، حسین واله، گام نو، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح فی اللغة، تحقیق احمد عبدالغفور، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
- چندلر، دنیل، مبانی نشانه شناسی، ترجمه مهدی پارسا، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- رهنما، هادی، «حوزه معنایی نام‌های گناه در قرآن کریم و نقد ترجمه‌های فارسی بر اساس آن»، مطالعات قرآن و حدیث، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۷، صص ۱۱۳-۱۴۷.
- زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، محقق علی شیری، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

- سلمان نژاد، مرتضی، معناشناسی تدبیر در قرآن با سه رویکرد ساختاری، ریشه‌شناسی و تاریخ انگاره، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱ ش.
- صاحب بن عباد، اسماعیل، المحيط في اللغة، عالم الكتب، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- صفوی، کورش، درآمدی بر معناشناسی، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۷ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، دار الكتب التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
- عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، دارالکتب المصریه، قاهره، ۱۳۶۴.
- عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، دار الافاق الجدیدة، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، هجرت، قم، ۱۴۱۰ ق.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- مشکور، محمود جواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۷ ش.
- Gesenius, W., *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, Oxford, 1955.
- Jastrow, M. *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi and the Midrashic literature*. New York: Pardes Publishing House, 1950.
- O'Leary, De Lacy, *Comparative Grammar of the Semitic Languages*, London: Kegan Paul, Trench, Trubner and New York: Dutton, 1923.
- Orel, V.E. & Stolbova, Olga V, *Hamito-Semitic Ethimological Dictionary: Material for a reconstruction*. Leiden: EJ. Brill. 1994.
- Zammit, Martin; *A Comprative Lexical Study of Quranic Arabic*; Leiden, Brill, 2002.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی